

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۱۷ نومبر ۲۰۱۱

منافع طبقاتی و آگاهی طبقاتی پرولتاریا

مبارزه طبقة کارگر علیه سرمایه داران بیان تضاد میان منافع طبقة کارگر و طبقة سرمایه دار است. منافع طبقة کارگر را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی "منافع خود به خودی بلاواسط" و دیگری "منافع ستراتیژیک" (دراز مدت) "یا به مفهوم واقعی کلمه "منافع طبقاتی طبقة کارگر.

منافع خود به خودی بلاواسط شامل خواست ها و مطالباتی است که طبقة کارگر در برابر مسایل روزمره خود ابراز می دارد. مطالباتی که در چارچوب این منافع بیان می شود، فراتر از خواست بر خورداری از رفاه بیشتر، توزیع عادلانه ثروت های جامعه و غیره نمی رود. به عنوان مثال، نفع خود به خودی بلاواسط کارگرانی که حقوق شان در سطح نازلی قرار دارد کسب اضافه دستمزد به منظور مقابله با افزایش هزینه زندگی است. در این مورد، سیستم حاکم قادر است تا حدودی به این نوع مطالبات که اساساً حیانتش را مورد مخاطره قرار نمی دهد، پاسخ مثبت دهد. به طور کلی، مبارزاتی که در چارچوب منافع خود به خودی بلاواسط صورت می پذیرد فراتر از مبارزات رفرمیستی نمی رود. این نوع منافع همیشه تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم قرار گرفته و هیچ گاه رژیم و سیستم حاکم را مورد سوال قرار نمی دهد. به عبارت دیگر، مبارزه به خاطر دستمزد، بیمه اجتماعی، افزایش ساعات فراغت... در عین حال که خود به خودی منفی نیستند و حتی نقش قابل توجهی در پرورش و آموزش طبقة کارگر ایفاء می کنند، اما از آنجائی که سیستم بهره داری را از ریشه مورد سوال قرار نمی دهند، به هیچ وجه نمی توانند هدف نهائی مبارزه پرولتاریا باشند. بنابراین منافع خود به خودی بلاواسط را نمی توان به معنی مارکسیستی و دقیق کلمه "منافع طبقاتی" ارزیابی نمود، زیرا مطالباتی که به اساس آن طرح می شوند در بهترین حالت در چارچوب خواست های رفرمیستی و نه خواست انقلاب اجتماعی باقی می مانند.

منافع طبقاتی یا منافع ستراتیژیک دراز مدت طبقة کارگر از موقعیت عینی و خاص طبقة کارگر در ساخت اقتصادی جامعه سرمایه داری سرچشمه می گیرد. مارکس می گوید: "مسأله بر سر این نیست که این یا آن پرولتر و یا تمام پرولتاریا چه هدفی را موقتاً برای خود تصور می کنند. مسأله بر سر این است که پرولتاریا چیست و از لحاظ

تاریخی و بالاجبار چه کاری را منطبق با موقعیتش خواهد کرد. هدف و عمل تاریخی پرولتاریا در موقعیت ویژه ای که دارد و در سازمان جامعه بورژوائی کنونی به طور روشن و محتومی برای او ترسیم شده است.^۱ منافع ستراتیژیک دراز مدت طبقه حاکم در این است که تسلط و فرمانروائی خود را ابدی سازد و منافع ستراتیژیک دراز مدت طبقه تحت سلطه، پرولتاریا، در این است که سیستم سلطه گرانه را نابود سازد. منافع طبقاتی پرولتاریا در این نهفته است که سیستم تولید سرمایه داری را که سر منشاء تمام شرایط و موقعیت استثمار شونده او است، از طریق الغای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، منهدم سازد.

آگاهی طبقاتی پرولتاریا (یا آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیکی) در یک کلام یعنی آگاهی نسبت به منافع طبقاتی (منافع ستراتیژیک دراز مدت) طبقه کارگر و رسالت آن در عصر کنونی و آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیک مجموعه به هم پیوسته ای است از معرفت و شناخت همه جانبه کارگران از طبقه خود، از موقعیت و منافع طبقاتی و رسالت آن و از مناسبات آن با سایر طبقات؛ شناخت از قدرت حاکم، از ماهیت و عملکرد آن، از ضرورت سرنگونی قهر آمیز آن و از امر تصرف قدرت سیاسی و نیل به سوسیالیسم و کمونیسم. این آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیک، در تلفیق فشرده با پراتیک و تجربه مبارزاتی طبقه کارگر (جنبش خود به خودی طبقه کارگر که مبتنی بر منافع خود به خودی بلاواسطه است) و از طریق کار سیاسی و تشکیلاتی کمونیست ها در درون طبقه کارگر و شرکت مارکسیست لنینیست ها در مبارزات و زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی پرولتاریا و کلیه توده های خلق، به میان کارگران برده می شود. یکی از وسایل مهم و عمده ارتقای آگاهی طبقاتی کارگران و پرورش سیاسی آنان، تبلیغات سیاسی و دموکراتیک وسیع است که به صورت "افشاگری های جامع الاطراف سیاسی" از جانب مارکسیست ها انجام می پذیرد. وظیفه افشاگری ها این است که طبقه کارگر و توده های زحمتکش را نسبت به شرایط خود و سایر طبقات آگاه سازد. تبلیغات جامع الاطراف سیاسی به معنی واقعی آن تنها می تواند در جریان تجربه پراتیک روزمره خود توده ها و شرکت کمونیست ها "در تمام تظاهرات خود به خودی مبارزه طبقه کارگر و در تمام تصادماتی که کارگران به خاطر روزگار، روزمزد، شرایط کار و غیره با سرمایه داران پیدا می کنند."^۲ تحقق یابد.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

۱- مارکس: "خانواده مقس"

۲- لنین: "وظایف سوسیال دموکرات های روس"